یادداشت روز

دیکتاتورهای کوچولو!

شاید در نگاه اول، تعجب‌آور و باور نکردنی باشد اگر گفته شود مدعیان اصلاحات تنها راه باقی‌مانده برای ادامه حیات سیاسی خود را در «دیکتاتوری آشکار» دیده‌اند و در بستر این رویکرد جدید نه‌فقط در پی پنهان کردن خوی دیکتاتورمآبانه پیشین خود نیستند بلکه اصرار دارند به عنوان یک جریان سیاسی «دیکتاتور» معرفی و شناخته شوند. اما چرا؟! و چگونه به این راهبرد رسیده‌اند؟ بخوانید؛

۱- برخورد اخیر مدعیان اصلاحات با یکی از اعضای هم‌حزبی خود در شورای شهر تهران و اخراج پرسروصدای او از جبهه موسوم به اصلاحات تنها به این علت بود که عضو یاد شده- خانم الهه راستگو- در جریان انتخاب شهردار تهران حاضر نشده بود «آزادی اندیشه» و «استقلال نظر» خود را پای منافع قبیله‌ای مدعیان اصلاحات قربانی کند. این واقعیتی است که نه فقط هیچیک از اصلاح‌طلبان چه در شورای شهر و چه در سایر گروه‌ها و احزاب اصلاح‌طلب آن را انکار نمی‌کنند، بلکه اصرار دارند که اخراج وی از «حزب‌کار» و گروه موسوم به «مجمع زنان اصلاح‌طلب» را تنها به دلیل سرپیچی ایشان از دستورات حزبی و قول و قرارهای قبلی اعلام کنند و سوال این است که چرا؟! آیا مدعیان اصلاحات از درک این نکته بدیهی ناتوانند که اقدام آنها مفهومی جز «دیکتاتوری» ندارد؟! پاسخ این سوال به یقین منفی است و اصلاح‌طلبان از پی‌آمدهای ضدمردمی این حرکت خود باخبرند. بنابراین سوال بعدی آن است که اصرار مدعیان اصلاحات برای معرفی خود به عنوان «دیکتاتور» با چه انگیزه و منظوری صورت پذیرفته و می‌پذیرد؟! مخصوصا آن که اقدام اخیر آنان با شعارهای «زنده باد مخالف من»! «آزادی عقیده»! «رأی هر کس متعلق به خود اوست»! و... در تضاد و تناقض آشکار است و این تناقض بر هیچکس پوشیده نیست، پس ماجرا چیست؟!

۲- برخورد دیکتاتورمآبانه با خانم راستگو اگرچه در محدوده و فضای شورای شهر تهران اتفاق افتاده است ولی مدعیان اصلاحات تلاش فراوانی دارند که دامنه این رخداد و برخورد دیکتاتورمآبانه خود را به تمامی سطوح جبهه اصلاحات گسترش دهند و این تلاش با سروصدای فراوان- تاکید می‌شود با سروصدای فراوان و نه مخفیانه و پنهان- نیز صورت پذیرفته و هنوز هم ادامه دارد. بلافاصله بعد از مخالفت خانم راستگو با دستورالعمل دیکته شده جبهه اصلاحات، مخالفت‌های علنی و توأم با اهانت و ناسزاگویی به ایشان آغاز شد و این مخالفت‌ها و اهانت‌ها به گونه‌ای هماهنگ که از برنامه‌ریزی و سازماندهی پشت صحنه آن خبر می‌داد، به تمامی روزنامه‌های زنجیره‌ای، سایت‌های وابسته به اصحاب فتنه، سردمداران شناخته شده جبهه اصلاحات و حتی گروه‌ها و جریانات اپوزیسیون خارج‌نشین نیز کشیده شد و این پرسش را پدید آورد که آیا سرپیچی خانم راستگو از دستورالعمل جبهه اصلاحات تا این اندازه اهمیت داشته و تعیین‌کننده بوده است که درباره آن اینهمه سروصدا کنند و با آنهمه تحلیل و تفسیر پیوند بزنند؟! پاسخ این سوال نیز به یقین منفی است و اقدام سرکار خانم راستگو اگرچه به دلیل آزاداندیشی و استقلال نظری که از خود نشان داده‌اند قابل تقدیر است ولی ماجرا در حد و اندازه‌ای نیست که با حجم انبوه سروصداهای پیرامونی و اصرار و تاکید مدعیان اصلاحات برای گسترش ماجرا و فراگیری آن همخوانی داشته باشد، و با جرأت می‌توان گفت که انتخاب شهردار تهران هر چند برای اصلاح‌طلبان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و ناکامی آنان در واگذاری مدیریت این کلان‌شهر به آقای محسن هاشمی را شکست بزرگی تلقی می‌کنند اما، داستان مورد بحث در محدوده انتخاب شهردار تهران نیز خلاصه نمی‌شود مخصوصا آن که آقای قالیباف، شهردار منتخب تهران نشانه‌های درخور توجهی از همراهی خود با مدعیان اصلاحات بروز داده است. بنابراین، آقای قالیباف اگرچه شهردار ایده‌آل و مورد انتظار اصلاح‌طلبان نیست ولی انتخاب ایشان نمی‌تواند مدعیان اصلاحات را تا آن اندازه نگران کرده باشد که عنان از کف داده و با اینهمه سروصدا و جاروجنجال دست به اقدامی بزنند که مفهوم روشن آن رویکرد رسمی جبهه اصلاحات به دیکتاتوری آشکار و بی‌پرده است. تمامی این شواهد که هیچ نشانه‌ای برای انکار آن دیده نمی‌شود، حکایت از آن دارند که ماجرای اخیر فراتر از سرپیچی خانم راستگو از دستورالعمل دیکته شده جبهه اصلاحات و یا انتخاب آقای قالیباف به جای آقای محسن هاشمی است چرا که این دو رخداد با آنهمه سروصدا و جاروجنجال گسترده مدعیان اصلاحات همخوانی و تناسبی ندارد.

۳- گفته‌اند «در مَثَل مناقشه نیست» چرا که «تمثیل» مقایسه میان دو موضوع یا دو پدیده شبیه به یکدیگر است بی‌آن که این دو پدیده در تمامی ابعاد و مختصات، مانند هم باشند. به عنوان مثال، شخص سنگدل و بی‌رحم را به شمر تشبیه می‌کنند در این تشبیه، سنگدلی و بی‌رحمی شخص تشبیه شده مورد نظر است و نه آن که او را نیز مانند شمر بن ذی‌الجوشن، قاتل حضرت اباعبدالله‌الحسین علیه‌السلام بدانند. با این توضیح ضروری که می‌تواند از برخی قضاوت‌های احتمالی و غلط پیشگیری کند، باید گفت رویکرد جدید مدعیان اصلاحات در اعلام دیکتاتوری آشکار و اصرار بر آن- با عرض پوزش- عمدی است و در مواردی با عملکرد برخی از گروه‌ها و جریانات وابسته نظیر طالبان، تکفیری‌ها، منافقین و... بی‌شباهت نیست- در مثل که مناقشه نیست- و اما، گروه‌های یاد شده که در میان ملت‌های خود جایگاه و پایگاهی نداشتند، رسیدن به قدرت را در حمایت دشمنان بیرونی مردم وطن خویش جستجو می‌کردند و برای جلب اعتماد قدرت‌های بیگانه به دیکتاتوری آشکار در میان اعضای تشکیلات خود روی می‌آوردند و از این طریق برای حامیان بیرونی خود پیام می‌فرستادند که در تشکیلات و سازمان تحت مدیریت آنان کمترین سرپیچی یک عضو از دستورات دیکته شده تحمل نمی‌شود بنابراین، قدرت بیرونی می‌تواند روی قول و قرارهایی که از سوی سردمداران گروه داده می‌شود، حساب کند و مطمئن باشد که در صورت زد و بند هیچیک از اعضای گروه اختیاری برای مخالفت نخواهند داشت. سازمان‌های مورد اشاره همراه و در کنار ارسال پیام تسلیم به دشمنان بیرونی، پیام مشابهی نیز برای اعضاء و هواداران خود ارسال می‌کردند و آن، این که هر یک از اعضاء بلافاصله بعد از مخالفت با دستورالعمل‌های دیکته‌شده به شدیدترین و بی‌رحمانه‌ترین شکل ممکن تنبیه خواهند شد، سازمان‌هایی نظیر منافقین، القاعده، سلفی‌ها و تکفیری‌ها با کشتن اعضایی که از دستورالعمل‌های دیکته شده سرپیچی کرده بودند، آنها را تنبیه می‌کردند! و جریانات مشابه دیگر که سمت و سوی سیاسی داشتند برای انجام این مأموریت به تخریب شخصیت عضو مخالف‌کننده با سرازیر کردن انبوهی از تهمت‌ها و ناسزاها به سوی او، اخراج پرسروصدا از تشکیلات و... روی می‌آورند و اصرار دارند که تمامی این اقدامات علنی و آشکار باشد تا تصور هزینه سرپیچی از دستورالعمل‌های دیکته شده مانع مخالفت سایر اعضاء با این دستورات باشد.

۴- سابقه سیاه برخی از مدعیان اصلاحات در جریان فتنه آمریکایی- اسرائیلی ۸۸ و همراهی آشکار و برملا شده آنان با دشمنان بیرونی، که نفرت و انزجار مردم از وطن‌فروشی و خیانت آنها را در پی داشته است، این احتمال را قوت می‌بخشد که برخی از این «دیکتاتورهای کوچولو» با ناامیدی از کسب پایگاه مردمی، در پی رد و بدل کردن پیام به آن سوی مرزها هستند و اگر چنین نیست - که امید است نباشد!- چه اصراری دارند که با این همه سروصدا و هیاهو و به طور رسمی و بی‌پرده خود را دیکتاتور معرفی کنند؟!

حسین شریعتمداری

صالحی: کلید طلایی منطقه در دست ایران است

رئیس سازمان انرژی اتمی کشورمان با بیان اینکه ایران با توجه به تحولات منطقه در موضع بسیار بالایی قرار دارد، تاکید کرد: الان کلید طلایی منطقه در دست جمهوری اسلامی ایران است.

علی اکبر صالحی، رئیس سازمان انرژی اتمی کشورمان شامگاه پنجشنبه در یک گفت‌وگوی تلویزیونی در پاسخ به سؤالی درباره آخرین وضعیت فعالیت‌های هسته‌ای کشور به اهداف این سازمان اشاره کرد و گفت: اولین هدف سازمان انرژی اتمی تولید برق یعنی انرژی پاک از توان و قدرت هسته‌ای است که به نحوی از امدادرسانی سوخت نیروگاه اطمینان حاصل کنیم. بنابراین اگر چرخه سوخت نداشته باشیم با یک سرمایه‌گذاری عظیم همیشه با یک خطر روبه‌رو خواهیم بود.

وی هدف دوم که از اولویت‌های سازمان انرژی اتمی شمرده می‌شود را سیکل سوخت نام برد و افزود: هدف دیگر این است که استفاده از این فناوری در بخش‌هایی مثل صنعت، کشاورزی، پزشکی و... استفاده شود.

رئیس سازمان انرژی اتمی به تولید ۱۵ رادیو دارو اشاره کرد و گفت : نزدیک به یک میلیون‌نفر در کشورمان از این رادیو داروها استفاده می‌کنند و تولید این رادیو داروها براساس سفارش بیمارستان است و اینگونه نیست که به طور دائم تولید شود.

معاون رئیس‌جمهور آخرین هدف سازمان متبوع خود را ارتقای کیفیت صنعت و فناوری برشمرد و افزود: این صنعت میعادگاه صنایع است و از تمامی متخصصین در این صنعت استفاده می‌شود.

وی با بیان اینکه نیروگاه بوشهر هزار مگاوات برق تولید می‌کند، اظهار داشت: ما تنها کشور اسلامی هستیم که این حجم برق تولید می‌کنیم، کشور دیگر پاکستان است که یک پنجم تولید ما را دارد.

رئیس سازمان انرژی اتمی در ادامه گفت‌وگوی خود با اشاره به کارشکنی غرب در تولید سوخت ۲۰ درصد ایران گفت: خارجی‌ها دهها شرط برای تولید سوخت ۲۰ درصد گذاشتند، بسیاری شرط‌ها به حاکمیت ما لطمه می‌زد ضمن اینکه مبلغ قابل توجهی در ازای آن باید پرداخت می‌شد. آنها گفتند که تولید این سوخت دو سال و نیم زمان می‌برد اما جوانان بی‌بدیل ما در طی ۱۸ ماه آن را طراحی کردند و صفحه سوخت ساختند.

وی تصریح کرد: جمهوری اسلامی ایران به دنبال رویه و رویکرد برد-برد در مذاکرات است علی‌رغم اینکه می‌داند که این پرونده ساختگی است و از صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای‌اش مطمئن است. موضوع هسته‌ای ایران زمانی که در بُعد فنی مطرح می‌شود خیلی سریع به نتیجه می‌رسد اما در بُعد حقوقی کمی سخت و در بُعد سیاسی سخت‌تر به نتیجه می‌رسد.

صالحی با بیان اینکه جمهوری اسلامی ایران با توجه به تحولات منطقه در موضع بسیار بالایی قرار دارد، اظهار داشت: الان کلید طلایی منطقه در دست جمهوری اسلامی ایران است. آنها هم با پیام‌های مستقیم و غیر مستقیم به این موضوع اذعان کرده‌اند.

رئیس سازمان انرژی اتمی در خصوص اینکه فاز اول نیروگاه بوشهر چه زمانی به ایران تحویل داده می‌شود، گفت: نیروگاه بوشهر از ۳ سال پیش تاکنون سوخت‌گذاری شده است و از زمان سوخت‌گذاری عملاً رآکتور وارد فعالیت تولید انرژی شده و اکنون هم هزار مگاوات برق تولید می‌کند.

وی با بیان اینکه اکنون در دنیا یک سال تا یک سال و نیم زمان می‌برد تا رآکتوری به کارفرما تحویل داده شود، افزود: رآکتور بوشهر بیش از یک سال برای تحویل به کارفرما زمان برد چرا که این رآکتور با طراحی روسی و اروپایی بود و ما سعی کردیم با بالاترین سطح ایمنی بر روی آن کار کنیم. کارشناسان ما با کلیه معایب احتمالی آشنا هستند و احتمالاً همان تاریخی که طرف روس اعلام کرده یعنی دوم مهر به طرف ایرانی یعنی کارفرما تحویل داده می‌شود. اما باید یادآور شوم که اگر مشکلی پیش بیاید شامل ۲ سال گارانتی می‌شود و آنها مجبورند که در صورت وجود تجهیزات معیوب آن را به ایران تحویل دهند ضمناً این رآکتور ۱۴ روز بایستی کار کند که ۱۰ روز آن به طور پیوسته است و اگر اتفاقی بیفتد تحویل گرفته نمی‌شود و این به معنای آن است که ۲۴ سپتامبر زمان بهره‌برداری آزمایشی نیروگاه از سوی کارفرما است.

صالحی درباره فعالیت آب سنگین اراک نیز اظهار داشت: پیش‌بینی دوستان ما این است که در سه ماهه اول سال ۲۰۱۴ برای سوخت‌گذاری آماده خواهد بود و ما بایستی طبق تعهدات ۶ ماه قبل به آژانس نامه اعلام سوخت‌گذاری را ارسال کنیم.

رئیس سازمان انرژی اتمی در پاسخ به سؤال دیگری مبنی بر اینکه آیا جای خالی دانشمندان هسته‌ای پر شده است، گفت: خوشبختانه ما دانشجویان بسیار زبده‌ای داریم و از این حیث نگرانی ندارم.

سفیر کشورمان در آژانس انرژی اتمی:

ایران از حقوق خود کوتاه نخواهد آمد

سفیر و نماینده جدید کشورمان در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفت: جمهوری اسلامی ایران به هیچ وجه از حقوق حقه ملت در خصوص استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای براساس «ان.پی.تی» کوتاه نخواهد آمد.

رضا نجفی افزود: در نشست اجلاس شورای حکام در خصوص موضوع هسته‌ای ایران بیانیه‌های متعددی قرائت شد. جمهوری اسلامی ایران به عنوان رئیس جنبش غیرمتعهدها نیز در بیانیه‌ای که در این نشست شورای حکام قرائت شد تأکید کرد غیرمتعهدها مانند گذشته از جمهوری اسلامی ایران در خصوص استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای حمایت کرد و به این حمایتش ادامه خواهد داد.

وی با اشاره به این که «جمهوری اسلامی ایران بیانیه دیگری را به عنوان موضع ملی خود قرائت کرد» افزود: در این بیانیه اشاره کردیم که اراده قوی از سوی جمهوری اسلامی ایران برای حل موضوع هسته‌ای وجود دارد و امیدواریم طرف‌های مقابل هم این اراده سیاسی را از خود نشان بدهند.

سفیر و نماینده کشورمان در آژانس افزود: در عین حال در بیانیه خودمان اشاره کردیم که جمهوری اسلامی ایران و مقامات جمهوری اسلامی ایران به هیچ وجه از حقوق حقه ملت در خصوص استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای براساس «ان.پی.تی» کوتاه نخواهند آمد و طرف‌های مقابل اگر ما اعلام کردیم که حاضر به همکاری و تعامل هستیم این سوء برداشت برای‌شان پیش نیاید که جمهوری اسلامی ایران ممکن است از حقوق حقه خود کوتاه بیاید به هیچ وجه این طور نیست.

از سوی دیگر، نماینده آمریکا در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعلام کرد که واشنگتن آماده همکاری با دولت جدید ایران است.

ژوزف مک‌منوس اعلام کرد که واشنگتن آماده همکاری با دولت جدید ایران برای رسیدن به راه‌حلی دیپلماتیک است تا همه «نگرانی‌های جامعه جهانی» را در خصوص برنامه هسته‌ای تهران برطرف کند.

بنابر گزارش الاهرام، وی گفت که امیدوار است تهران در ماه‌های آینده با در پیش گرفتن گام‌های ملموس، به تعهداتش در خصوص شفاف‌سازی و همکاری عمل کند.

نماینده آمریکا در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در عین حال با تهدید ایران مدعی شد که اگر ایران به آن چه او «لجاجت» خوانده ادامه دهد، به همراه دوستان در شورای حکام در جلسه این شورا در نوامبر آینده «به شکل مناسبی» ایران را مجازات خواهد کرد.

خبر ویژه

اصلاح‌طلبان کاری کردند که صفت فاشیست به آنها بچسبد

«داستان پیش آمده در شورای شهر و انتخاب شهردار تهران می‌تواند درس عبرتی برای اصلاح‌طلبان و هاشمی باشد.»

وبسایت رادیو زمانه که از هلند بارگذاری می‌شود در تحلیلی به قلم یکی از اصلاح‌طلبان فراری نوشت: انتخاب محسن هاشمی به عنوان نامزد شهرداری تهران از سوی اصلاح‌طلبان نه‌تنها هیچ نشانی از عقلانیت به همراه نداشت، بلکه نشان‌دهنده پیروی کورکورانه از هاشمی بود که نتایج بدی به بار آورد و می‌تواند باز هم به اشکال متفاوتی تکرار شود. هاشمی رفسنجانی از خاتمی و اصلاح‌طلبان خواسته بود که حتما محسن هاشمی را به عنوان شهردار انتخاب کنند اما او حتی واجد ۱۰ درصد خوشنامی مسجد جامعی نبود و نیست و درست یا نادرست، پیرامون وی حرف و حدیث فراوانی وجود دارد.

این تحلیل با بیان اینکه نامزدی هاشمی باعث انسجام اصولگرایان با وجود انتقادهایی به قالیباف شد، می‌نویسد: جنجال بزرگی که حول رای الهه راستگو برپا شد و بهترین خوراک را به سیمای جمهوری اسلامی و اصول‌گرایان داد تا اصلاح‌طلبان را جماعتی فاشیست قلمداد کنند، بخشی از دنباله‌روی کورکورانه است. پرویز سروری گفت: برخوردهای فاشیستی به نفع اصلاح‌طلبان نیست (http://jahannews.com/vdcfjodmjw۶dyja.igiw.html) دو سایت طرفدار تمام عیار هاشمی نیز آتش به پا کن و بنزین‌پاش بر آن بودند اما هزینه اعتباری‌اش را اصلاح‌طلبان پرداخت کردند.

رادیو زمانه با بیان اینکه مشکل مخالفان اکنون پیدا کردن پست برای محسن هاشمی نیست نوشت: ائتلاف اصلاح‌طلبان با هاشمی یک امر است و دنباله‌روی از او، امری دیگر.

مافیای اصلاح‌طلب وارد می‌شود!

عضو فراکسیون تندروها در مجلس ششم، الهه راستگو عضو شورای شهر تهران را به خاطر رأی دادن به شهرداری قالیباف، انواع اهانت‌ها و اتهام‌ها را نثار وی کرد.

ولی!... شجاع‌پوریان که اکنون عضو شورای شهر است در مصاحبه با سایت «خرداد»، راستگو را صرفا به این خاطر که قالیباف را شایسته‌تر از محسن هاشمی برای شهرداری تشخیص داده، «جاسوس»، «دورو»، «بی‌صداقت»، «منافق» و... خواند! او مدعی شده الهه راستگو در جلسات اصلاح‌طلبان نقش جاسوس را داشته و خود را به پول فروخته است!

به کارگیری چنین ادبیاتی درباره یک عضو شورای شهر صرفا به خاطر رأی و انتخابی متفاوت در حالی است که فراکسیون متبوع آقای شجاع پوریان در مجلس ششم-فراکسیون مشارکت- به معنای واقعی کلمه پر از عناصر دورو، بی‌صداقت، منافق و جاسوس بود؛ چندان که شماری از این افراد به اروپا و آمریکا پناهنده شده، سرّی‌ترین اطلاعات مجلس و نظام را به مراکز اطلاعاتی غرب فروخته و به ملت و کشور خود خیانت کردند بدون اینکه با کمترین اعتراض عناصر غیرتمندی(!؟) نظیر شجاع پوریان مواجه شوند. امثال فاطمه حقیقت‌جو، اکبر موسوی‌خوئینی، رجب مزروعی، شیرزاد و... از شبه اصلاح‌طلبان مجلس ششم بودند که رسوایی‌های بی‌سابقه و غیرقابل قیاس با یک رأی خانم راستگو به بار آوردند اما غیرت مدعیان اصلاح‌طلبی و صداقت هرگز به جوش نیامد. ظاهرا آقای شجاع پوریان تمام آنچه را که درباره عملکرد طیف متبوع خویش در ۱۲-۱۰ سال گذشته باید به زبان می‌آورد، ذخیره کرده و نثار یک عضو شورای شهرکه نمی‌دانسته با «مافیا» طرف است، کرده است.

گفته می‌شود حملات کم‌سابقه و پرحجم به خانم راستگو یک مصوبه درون حلقه‌ای در میان اصلاح‌طلبان بوده تا ضمن ارعاب و بالا بردن هزینه استقلال رأی، از تکرار اتفاق مشابه توسط دیگر اصلاح‌طلبان جلوگیری شود.

روزنامه چاپ ترکیه: تل‌آویو اولین قربانی حمله به سوریه است

آمریکا جنگ‌های منطقه را به پیمانکاران واگذار کرده و به علت شرایط وخیم اقتصادی قادر به مداخله نظامی طولانی‌مدت در سوریه نیست.

این تحلیل را روزنامه آیندینلیک چاپ ترکیه منتشر کرد و در پاسخ این مسئولان که چرا آمریکا برخلاف تبلیغات انجام گرفته به سوریه حمله نکرد، نوشت: آمریکا بودجه لازم برای اشغال یک کشور جدید را ندارد و حتی وزیر خزانه‌داری آمریکا عنوان کرده بود که خزانه این کشور خالی است.

محمدعلی گوللر در این تحلیل می‌نویسد: حزب کمونیست چین در آخرین کنگره خود تصمیمی مبنی بر اینکه منابع مالی چین در داخل این کشور مورد بهره‌برداری قرار گیرد اتخاذ کرده بود و این مسئله آمریکا را در تنگنا قرار داد و اکنون واشنگتن قادر به استقراض از چین نمی‌باشد. اکنون واشنگتن درصدد بازگرداندن منابع مالی خود از خارج به داخل کشور است و تصمیمات خزانه‌داری آمریکا را باید در این راستا ارزیابی کرد و این وضعیت و افزایش قدرت چین در اقتصاد جهانی نمایانگر آن است که اقتصاد آمریکا حتی با یک جنگ جدید نیز نمی‌تواند بهبود یابد.

به نوشته گوللر، آمریکا با لحاظ این واقعیت استراتژی جدید دفاعی خود را به اجرا گذاشته است و در این استراتژی واشنگتن در منطقه آسیا ـ پاسفیک راسا عمل می‌کند و اداره امنیت در خاورمیانه را نیز به پیمانکاران خود واگذار کرده و مجبور به ادامه این روند است.

آیندینلیک معتقد است: فکر و ایده مداخله نظامی در سوریه از آن «باراک اوباما» و گروهی که وی نماینده آنان است، نمی‌باشد. اوباما خواستار تداوم سیاست آمریکا در سوریه از طریق ترکیه، عربستان و قطر است که این مسئله ایران و ترکیه را نیز رو در روی یکدیگر قرار می‌دهد و این نیز به نفع آمریکاست.

به نوشته گوللر، اگر مداخله و اشغال نظامی آمریکا در سوریه نتیجه‌بخش نباشد و منوط به یک عملیات محدود هوایی باشد اولین قربانی این مسئله تل‌آویو خواهد بود و اسرائیل با لحاظ این مسئله نگرانی خود را از عملیات محدود نظامی اعلام کرد. با بمباران سوریه توسط موشکهای تام هاوک آمریکا، گروه‌های حماس و حزب‌الله به اسرائیل حمله خواهند کرد و گروههای تاثیرگذار در آمریکا با لحاظ این مسئله به حمله‌ای که امنیت اسرائیل را تضمین نکند و حتی آن را به مخاطره اندازد مخالفت می‌کنند.

عماد افروغ: اصلاح‌طلبان حزب را با پادگان اشتباه گرفته‌اند

یک جامعه‌شناس و استاد دانشگاه رفتار اصلاح‌طلبان در مواجهه با رأی خانم راستگو در انتخاب شهردار تهران را مورد نقد آسیب‌شناسی قرار داد.

عماد افروغ در این باره نوشت: بعد از انتخاب شهردار تهران شاهد حملات شدیدی به یکی از اعضای اصلاح‌طلب شورای شهر، توسط برخی دیگر از اعضای اصلاح‌طلب این شورا بودیم. نمی‌دانم اسم این حمله و هجمه را چه باید گذاشت، صرف اینکه یک اصلاح‌طلب در جایگاهی عمومی و مدنی و نه حزبی، رأیی بر اساس تشخیص خود، آن هم پس از طرح مصوب استماع برنامه‌های رقیبان اصلی بدهد چه اشکالی دارد و چرا باید با این هجمه‌ها روبه‌رو شود؟ مگر در همین دولت گذشته نبودند افرادی از اصول‌گرایان که به شدت در برابر تصمیمات غیر اصولی دولت مستقر ایستادند و از عدم رای اعتماد تا استیضاح وزیر و حتی سوال از رئیس‌جمهور پیش رفتند؟

وی تصریح کرد: این جماعت اگر اعتدال‌گرا هستند و به نام دفاع از اعتدال‌گرایی با اقبالی روبه‌رو شده‌اند که علی‌القاعده این کار و تصمیم عین اعتدال است و با آن منافاتی ندارد و اگر اصلاح‌طلب غیر متعادل هستند بگویند بر اساس کدام مرامنامه قابل دسترس تشکیلاتی، به کدام شاخه از اردوگاه اصلاح‌طلبی تعلق دارند و اصولا نسبت این شاخه با کارگزاران چیست؟

نماینده سابق مجلس در این تحلیل آسیب‌شناسانه می‌نویسد: اما قطع نظر از این رخداد، سوالی اساسی وجود دارد که با فرض مستحکم و مدون بودن مواضع و با فرض موقعیت حزبی، در مواقعی که افراد احساس می‌کنند حقی پایمال می‌شود یا حقی به حق‌دار نمی‌رسد یا اصل شایستگی رعایت نمی‌شود و قس علی هذا، چه موضعی باید بگیرند. اصولا قدرت مانور افراد در درون تشکیلات مختلف از جمله تشکیلات حزبی چیست؟ آیا در کل مواضع بر پایه تعامل و اجماع نظر تعیین می‌شود و یا صرفا دستور تشکیلاتی از بالا و تبعیت از آن مراد است. در این بین اصل شایستگی چه می‌شود؟

وی با بیان اینکه بعضی‌ها حزب و کار حزبی را با پادگان و از جلو نظام و پا جفت کردن و احترام به مافوق اشتباه گرفته‌اند، می‌نویسد: در شرایطی که گروه‌بندی‌های شفاف و مواضع مدون در اختیار نیست و تنها عده‌ای خاص برای یک تشکیلات تصمیمات روزمره و معمولا متغیر و متلون می‌گیرند و هر روز با لابی‌های خود به رنگ و لعابی در می‌آیند، تکلیف بنده خدایی که با گرایش به برخی شعارها و با اعتماد به التزام گردانندگان یک تشکیلات به این شعارها، به این گروه‌ها می‌پیوندد چیست؟ آیا اعضای تشکیلات مختلف حکم سربازان صفر دارند؟ آیا اصول و قواعد و شعارها و ارزش‌های حزب و تشکیلات مهم‌اند، یا رفتارها و مواضع سران و مدیران یک تشکیلات، ولو ناسازگار با این اصول؟ گیریم که تمام این مراحل نیز پشت سر گذاشته شده باشد، مواضع معلوم، تصمیمات جمعی، آیا مواجهه با ناقضان باید از روی قاعده باشد و یا طرد و لعن و هتاکی و تهدید؟

نیویورک تایمز: حتماً باید سفیر آمریکا در سوریه نیز کشته شود؟!

روزنامه نیویورک‌تایمز هشدار داد آمریکا از مداخله نظامی در لیبی نتیجه‌ای نگرفته که بخواهد کار دشوارتر از آن را در سوریه انجام دهد.

توماس فریدمن در این تحلیل خاطرنشان کرد: لیبی آخرین کشوری است که در سال ۲۰۱۱ به جرم آنکه «معمر قذافی» از خط قرمز تعیین شده غرب تجاوز کرده بود، هدف بمباران و مداخله نظامی «ناتو» قرار گرفت. در آن برهه، مدعای غرب و کشورهای اصلی شرکت کننده در مداخله نظامی اعم از آمریکا، انگلیس و فرانسه این بود که مداخله «ناتو» در لیبی نمونه موفق یک مداخله نظامی خارجی است اما واقعیتهای میدانی، حقیقتی متفاوت را گواه می‌دهد.

وی می‌افزاید: از لحظه حمله ناتو در تاریخ سوم سپتامبر ۲۰۱۱ تاکنون، کشور لیبی نه تنها شاهد رشد و پیشرفت نبوده، بلکه تا عمق درون بدترین بحران‌های سیاسی و اقتصادی غوطه‌ور شده و حاکمیت دولت مرکزی در اقصی نقاط کشور از هم پاشیده و متلاشی شده است. دیگر چه جای تردیدی بر کذب بودن صحت مدعای غرب در مورد موفق بودن حمله نظامی به لیبی وجود دارد. نیویورک تایمز تأکید کرد: دستاورد حمله غرب به لیبی را باید در تولید نفت این کشور که مرغوب‌ترین نفت جهان است مشاهده کرد. نفتی که تا قبل از حمله روزانه ۱/۴ میلیون بشکه تولید می‌شد امروز سطح تولید آن تنها به ۱۶۰ هزار بشکه در روز کاهش پیدا کرده است. اینک غرب مترصد است همان تجربه ناموفق را در مورد سوریه به جریان اندازد. داستان همه جنگ‌های اخیر ما یکی است. یک کشور عربی-اسلامی که باید مورد حمله قرار گیرد!

فریدمن هشدار داده که اگر روزی سفیر آمریکا در دمشق نیز کشته شود، نباید تعجب کرد.

پیش از این سفیر آمریکا در لیبی در حمله معترضان به کنسولگری بنغازی به هلاکت رسید.

جاسوسی نیابتی آژانس امنیت ملی آمریکا برای اسرائیل!

«آمریکا اطلاعات شهروندان خود را به سرویس‌های جاسوسی اسرائیل می‌دهد.»

روزنامه گاردین این خبر را به نقل از ادوارد اسنودن کارمند سابق آژانس امنیت ملی آمریکا فاش کرد. بر اساس اسناد جدید افشا شده از سوی اسنودن، آژانس امنیت ملی آمریکا، داده‌های اطلاعاتی خود از جمله اطلاعات درباره شهروندان آمریکا را با دولت اسرائیل به اشتراک می‌گذارد.

به گزارش دویچه وله ادوارد اسنودن از اوایل ژوئن سال جاری (۲۰۱۳) افشای گسترده برنامه جاسوسی آژانس امنیت ملی آمریکا (NSA) را آغاز کرد. برملا ساختن جاسوسی آمریکا در جهان، از جمله در اروپا و آلمان، وجهه ایالات متحده را در سطح بین‌المللی خدشه‌دار کرده است.

بر اساس یک تفاهم‌نامه که متن آن توسط روزنامه «گاردین» در لندن منتشر شد مشخص می‌شود که آژانس امنیت ملی آمریکا نه تنها اطلاعات خود را با نهاد مشابه خود در اسرائیل به اشتراک می‌گذارد بلکه حدی قانونی ندارد تا معین باشد چه چیزهایی می‌تواند به اشتراک گذاشته شود.

هیچ سازوکار نظارتی‌ای برای این امر درنظر گرفته نشده و اطلاعات به صورت «خام» به اشتراک گذاشته شده‌اند؛ به این معنا که این اطلاعات بدون هیچ گونه «تصفیه» یا اقدام برای ناشناس کردن افراد به اشتراک گذاشته شده‌اند.

به گزارش «گاردین» تفاهم‌نامه بین اسرائیل و آمریکا در سال ۲۰۰۹ امضا شده است و بر اساس آن اسرائیل مجاز است تا یک سال هر فایلی شامل اطلاعات هویتی مردم آمریکا را حفظ کند.

این موضوع فایل‌هایی درباره مقامات کاخ سفید، بخش‌های مختلف کابینه، و همچنین سنا، مجلس نمایندگان و سیستم دادگاه فدرال ایالات متحده را در برمی‌گیرد.

بر اساس سند منتشر شده، اسرائیل مجاز است داده‌های اطلاعاتی خارجی را منتشر کند به شرط این که اطلاعات شهروندان آمریکا از آن به گونه‌ای حذف شود که افراد قابل شناسایی نباشند.

گفت و شنود

دروغ دیگر!

گفت: مدعیان اصلاحات بدجوری به خانم الهه راستگو حمله کرده و به ایشان اهانت می‌کنند.

گفتم: خب! خانم راستگو مرتکب خطای بزرگی شده و کاسه‌کوزه اصلاح‌طلبان را شکسته است.

گفت: جرم ایشان فقط این است که حاضر نشده از استقلال نظر و آزادی اندیشه خود دست بکشد و به همین علت او را از جبهه اصلاحات اخراج کرده‌اند.

گفتم: ایشان دو گناه بزرگ مرتکب شده است. اول آن که در جبهه اصلاحات دنبال آزادی اندیشه و استقلال رأی بوده است و دوم این که نام او «راستگو» است.

گفت: یعنی مدعیان اصلاحات همین یک «راستگو» را هم که در میان خود داشتند، اخراج کرده‌اند؟!

گفتم: چه عرض کنم؟! از دروغگویی پرسیدند آیا در تمام طول عمر خود یک حرف راست زده‌ای؟ فکری کرد و گفت؛ اگر بگویم آری، یک دروغ دیگر گفته‌ام!

منابع غربی: ظریف و اشتون اول مهر دیدار می‌کنند

منابع غربی اعلام کردند که انتظار می‌رود وزیر امور خارجه جدید ایران احتمالاً در تاریخ اول مهر، ۲۳ سپتامبر با کاترین اشتون در نیویورک دیدار کند، گرچه سخنگوی اشتون گفت که تاریخ این ملاقات هنوز تأیید نشده است.

المانیتور با اعلام این خبر گزارش داد: مقامات غربی امیدوارند که محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران و کاترین اشتون، رئیس سیاست خارجی اتحادیه اروپا بتوانند در این دیدار درباره تاریخ جدید و مکان از سرگیری مذاکرات گروه ۱+۵ با ایران درباره برنامه هسته‌ای‌اش که احتمالاً در ماه اکتبر خواهد بود، به توافق دست یابند.

یک مقام غربی که خواست نامش فاش نشود روز پنج‌شنبه گفت که در این میان وزیران امور خارجه کشورهای عضو ۱+۵ (آمریکا، انگلیس، روسیه، فرانسه، چین و آلمان) قرار است احتمالاً در تاریخ ۴ مهر ماه، ۲۶ سپتامبر در نیویورک درباره ایران گفت‌وگو کنند، گرچه وزارت امور خارجه آمریکا اعلام کرد که هنوز تاریخ این مذاکرات تأیید نشده است.

درحال حاضر انتظار نمی‌رود وزیر خارجه ایران در این نشست شرکت کند، ولی یکی از مقامات غربی این احتمال را مطرح کرد که بسته به تصمیم ظریف و اشتون، این امر تغییر کند.

اگرچه انتظار می‌رود وزیر امور خارجه ایران به طور جداگانه با ویلیام هیگ، وزیر امور خارجه انگلیس و سرگئی لاوروف، وزیر امورخارجه روسیه دیدار کند، اما ملاقاتی با مقامات آمریکا برنامه‌ریزی نشده است.

یک منبع غربی نیز گفت که احتمال یک دیدار بدون برنامه مثلاً در «راهروی ورودی» بین ظریف و جان کری،وزیر امور خارجه آمریکا وجود دارد، ولی چیزی برنامه‌ریزی نشده است.

کاخ سفید گزارشات